

فصلنامه رهیافتهای نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 Article Cod: SH19K820970 ISSN-P: 2676-6442

نقش گویش‌های محلی در حفظ و ترویج زبان فارسی معیار (یک مطالعه موردی)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۴/۱۲ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۶/۰۹)

مجتبی درزاده

کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه شیراز

چکیده

با توجه به تنوع فرهنگی و زبانی ایران، گویش‌ها به عنوان یکی از ارکان هویت ملی و محلی شناخته می‌شوند. هدف این مطالعه، تحلیل تأثیرات مثبت و منفی گویش‌های محلی بر زبان فارسی معیار است. در این تحقیق، از روش‌های کیفی و کمی استفاده شده و داده‌ها از طریق پرسشنامه و مصاحبه با سخن‌وران مختلف جمع‌آوری گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که گویش‌های محلی نه تنها به غنای زبان فارسی معیار کمک می‌کنند، بلکه به حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی نیز یاری می‌رسانند. با این حال، تغییرات زبانی ناشی از تأثیرات مدرن‌سازی و جهانی‌شدن تهدیدی برای زبان فارسی معیار محسوب می‌شود. این مقاله به تحلیل چالش‌ها و فرصت‌هایی که گویش‌های محلی برای زبان فارسی ایجاد می‌کنند، می‌پردازد و تأکید دارد که باید به گویش‌ها به عنوان منبعی غنی برای تقویت زبان فارسی معیار نگریسته شود. در نهایت، پیشنهاداتی برای حفظ و ترویج گویش‌های محلی به منظور حمایت از زبان فارسی معیار ارائه می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد که تعامل میان گویش‌های محلی و زبان معیار می‌تواند به تقویت هر دو منجر شود و به غنای فرهنگی کشور کمک کند. در نهایت باید اذعان داشت این مقاله به بررسی نقش گویش‌های محلی در حفظ و ترویج زبان فارسی معیار می‌پردازد.

واژگان کلیدی: گویش‌های محلی، زبان فارسی، لهجه، فرهنگی

مقدمه

زبان به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی و فرهنگی، نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت ملی و محلی افراد ایفا می‌کند. در ایران، با توجه به تنوع زبانی و فرهنگی، گویش‌های محلی به عنوان یکی از ارکان هویت اجتماعی و فرهنگی شناخته می‌شوند. این گویش‌ها نه تنها نمایانگر تاریخ و فرهنگ مناطق مختلف کشور هستند، بلکه به عنوان بخشی از میراث زبانی نیز اهمیت دارند. زبان فارسی معیار، به عنوان زبان رسمی و ادبی کشور، در کنار گویش‌های محلی، یک ساختار زبانی غنی و متنوع را ایجاد کرده است. با وجود اینکه زبان فارسی معیار در حوزه‌های رسمی، آموزشی و ادبی مورد استفاده قرار می‌گیرد، گویش‌های محلی در زندگی روزمره مردم نقش بسزایی دارند. این گویش‌ها نه تنها به انتقال فرهنگ و آداب و رسوم محلی کمک می‌کنند، بلکه به غنای زبان فارسی معیار نیز یاری می‌رسانند. در واقع، گویش‌های محلی می‌توانند به عنوان منابعی برای تقویت واژگان، اصطلاحات و ساختارهای زبانی زبان فارسی معیار عمل کنند. سعدی، حافظ و ملاصدرا که استوانه‌های ادبی و فلسفی جامعه در ادبیات و فرهنگی ایرانی به شمار می‌آیند نیز تاثیر شگرفی در زبان و ادبیات فارسی داشته‌اند، در گویش شیرازی نیز هنوز میتوان تاثیر زندگی این بزرگان را دید، "قربان اصطلاحی است که در تمام لهجه‌های شیرازی وجودت استفاده میشود و میتوان این اصطلاح را بیانگر جا افتادگی فلسفه وجودی ملاصدرا در شیراز دانست. ویژگی اصلی و مشترک در بین همه گویشهای شیرازی پهن ادا کردن کلمات است. در برخی از مناطق این شهر زنها بیشتر از مردها چنین صحبت میکنند و کلمات را می‌کشند. به عنوان مثال یک شهروند شیرازی که به گویش شیرازی مناطق مرکزی این شهر سخن میگوید برای ادای جمله پرسشی "برای چه چیزی؟ میگوید "بری چی چی صورتی که همین عبارت در گویش شیرازی مناطق شرق و شمال شرق شیراز "سی چی چی؟" ادا میشود.

در مناطق شمال غرب و غرب این شهر نیز این جمله " واسه چی؟" ادا میشود کلمه بین " نیز در گویش های یاد شده ببین، سیکو، نیگا تلفظ می شود. از سوی دیگر، تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از جهانی شدن و مدرنیته، تهدیداتی را برای گویش های محلی به همراه داشته است. بسیاری از گویش ها در حال حاضر با خطر فراموشی و کاهش کاربرد مواجهه اند. این موضوع می تواند تأثیرات منفی بر زبان فارسی معیار نیز داشته باشد، زیرا از بین رفتن گویش های محلی می تواند به کاهش تنوع زبانی و فرهنگی منجر شود.

در این مقاله، ما به بررسی نقش گویش های محلی در حفظ و ترویج زبان فارسی معیار خواهیم پرداخت. با استفاده از یک مطالعه موردی، تأثیرات مثبت و منفی گویش های محلی بر زبان معیار را تحلیل خواهیم کرد. این تحقیق شامل بررسی تجربیات سخن وران محلی و تأثیرات آن ها بر زبان معیار است. هدف این مقاله نشان دادن اهمیت تعامل میان گویش های محلی و زبان فارسی معیار است. ما بر این باوریم که گویش های محلی نه تنها تهدیدی برای زبان معیار نیستند، بلکه می توانند به عنوان منابعی غنی برای تقویت آن عمل کنند. در این راستا، پیشنهاداتی برای حفظ و ترویج گویش های محلی به منظور حمایت از زبان فارسی معیار ارائه خواهد شد.

• پیشینه پژوهش

از پژوهش های کلاسیک در این زمینه میتوان به بررسی های خانم سوزان (گل) در سال ۱۹۷۹ در منطقه دوزبانه «اوبر» وارت در اتریش اشاره کرد در این منطقه زبان مجاری که زبان بومیان منطقه بود جای خود را به زبان آلمانی داد خانم ننسی دورین در سال ۱۹۸۱ در منطقه دوزبانه سادرلند شرقی در اسکاتلند نمونه ای دیگر از حذف زبان را گزارش کرد در این منطقه بر اثر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پس از جنگ جهانی دوم زبان انگلیسی با حذف زبان «گالی» به تدریج به زبان مادری بومیان منطقه تبدیل شد بررسی «لیبرسن» در سال ۱۹۷۲ در جامعه انگلیسی -

فرانسه زبان در مونترال کانادا و پژوهش «فسولد در سال ۱۹۸۱ در منطقه دوزبانه «تائوس» در ایالت نیومکزیکوی آمریکا مواردی از حفظ زبان را نشان میدهند در مجموع این پژوهش ها و پژوهشهای انجام شده پس از آنها که از دهه ۱۹۹۰ از وسعت زیادی برخوردار شده اند مسائل زیادی را در خصوص این پدیده روشن ساخته اند.

فرانسه در جامعه دوزبانه مونترال در کانادا نشان میدهد که این پیش شرط به تنهایی برای تغییر زبان کافی نیست. اگر وجود دوزبانگی به تنهایی برای تغییر زبان کافی نیست شاید وجود دوزبانگی به همراه اعتبار بیشتر یکی از دو زبان احتمال تغییر زبان را حتمی سازد اما مواردی را سراغ داریم که یک زبان پایین تر به لحاظ وجهه اجتماعی در کنار یک زبان برتر باقی مانده یا حتی آن را حذف نموده است. حذف شدن زبان فرانسه توسط زبان انگلیسی در حمله نورمن ها به انگلستان و حفظ زبان گوارانی در مقابل زبان استعمارگران اسپانیایی در کشور پاراگوئه از موارد یاد شده است فسولد، ۱۹۸۷ (۲۱۷) معمولاً در اغلب تغییر زبانها، این زبان گروه کوچکتر است که جای خود را به زبان گروه بزرگتر میدهد و گذشته از آن گروه بزرگتر معمولاً از قدرت سیاسی و اقتصادی بیشتری برخوردار است؛ اما چنانکه در هر دو مورد ذکر شده از موارد تغییر زبان دیدیم گروه کوچکتر با وجود فراهم بودن این شرایط برای سالها زبان خود را حفظ کرده بود اگر با دقت بیشتری نگاه کنیم میبینیم که این تغییر زبان دقیقاً زمانی آغاز شد که افراد گروه کوچکتر حاضر شدند از هویت خود به عنوان یک گروه اجتماعی - فرهنگی مستقل دست یکشند و به عضویت گروه بزرگتر در آیند. این مسئله اگر چه خود مقدمه ای برای تغییر زبان است عامل تغییر زبان نیست؛ بلکه معلول برخی عوامل و شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر محیط است. ظاهراً یکی از مهمترین عواملی که باعث میشود افراد پابندی به ارزشهای گروهی و قومی را از دست بدهند از دست دادن استقلال اقتصادی است برای، نمونه از دست رفتن شغل و حرفه سنتی

و وابستگی به گروه بزرگتر برای اشتغال و کسب درآمد یکی از عوامل اقتصادی مؤثر در این زمینه است. عوامل اجتماعی - فرهنگی هم میتوانند در این میان نقش داشته باشند؛

بر اساس گفته ی ۲۰۰۹ (Ary, D., Jacobs, L. C., Razavich, C. K., & Walker) پژوهش های روایت شناسی برای دستیابی به عمق مسأله مورد پژوهش به کار میروند که در آن افراد با تعریف روایت های خود به پژوهشگر کمک میکنند تا به چارچوب کلی مسأله دست پیدا کند و اطلاعات را تحلیل و مورد استفاده قرار دهد. باید توجه داشت که پژوهشهایی که رویکرد روایت شناسی دارند صرفاً به دنبال آنچه در گذشته برای افراد اتفاق افتاده است نیستند بلکه در صدد آن هستند تا طرز تلقی و دیدگاه افراد را در مورد مسأله ی مورد پژوهش به دست آورند (Cresswel, ۲۰۰۹, Ary et al) ۲۰۰۷ (معتقد است که روایت هایی که توسط افراد بیان میشوند از سلسله مراتب زمانی پیروی میکنند و مضمونهایی را در مورد یک مسأله در یک محیط خاص مورد ارزیابی قرار میدهند در انجام و تحلیل پژوهشهای روایت شناسی باید دقت داشت که تحلیل روایتها تنها تحلیل محتوایی آنچه روایتگر بیان میدارد نیست بلکه فراتر از آن و به دنبال چگونگی تجربه کردن و دیدگاه فرد درباره ی یک موضوع میباشد (Andrews, ۲۰۰۸, Squire, & Tamboukou) در پژوهشهایی که از روایت برای درک هویت استفاده میشود روایتها به دو دسته ی زیست نامه ای و تعاملی تقسیم می.شوند (Fina ۲۰۱۵) (مهمترین وجه تمایز این دو نوع روایت این است که هر کدام چگونه به رویدادهای زندگی انسان نگاه میکنند و نقش تعاملات را به عنوان منبع اطلاعات در چه میدانند. تحلیل روایت های زیست نامه ای بر اساس انسجام فردی یک شخص در تشکیل هویت جدیدش انجام میشود که این خود میتواند موجب ساخت و بازساخت هویت آن شخص شود.

پژوهش در زمینه زبان‌شناسی و نقش گویش‌های محلی در حفظ زبان معیار، از دیرباز مورد توجه محققان قرار گرفته است. در این بخش، به بررسی مهم‌ترین آثار و تحقیقات در این حوزه می‌پردازیم:

• تاریخچه زبان‌شناسی در ایران

زبان‌شناسان ایرانی از قرن‌ها پیش به بررسی گویش‌ها و لهجه‌های محلی پرداخته‌اند. آثار ادبی قدیمی مانند «شاهنامه» فردوسی و «دیوان حافظ» نشان‌دهنده تنوع زبانی و فرهنگی ایران هستند و به اهمیت گویش‌ها در ادبیات فارسی اشاره دارند.

منظور از زبان فارسی گونه معیار گفتاری) و (نوشتاری این زبان است یعنی زبانی که فارسی‌زبانان امروز ایران از آن به عنوان وسیله‌ای برای ارتباط کلامی، انتقال اطلاعات، آموزش و نیز خلق آثار ادبی بهره می‌گیرند بنابراین فرایندهای واژه‌سازی در گونه‌های غیر معیار گویش‌های داخل و خارج ایران و نیز گونه‌های تاریخی (فارسی میانه، باستان و جز آن) مورد بررسی قرار نگرفته است. مخاطبان اصلی این مجموعه کسانی هستند که به صورتی حرفه‌ای با مسئله واژه‌سازی سر و کار دارند مانند اعضای کارگروه‌های تخصصی واژه‌گزینی بنا به گفته، مؤلفان روش کار در این پژوهش بدین نحو بوده است که ابتدا الگوهای واژه‌سازی در قالب مجموعه‌ای محدود و معین از قواعد متمایز و مشخص باز نموده شدند. در جزوه نخست پسوندهای فارسی بررسی و به مسئله ساخت واژه با استفاده از پسوند پرداخته شده است؛ همچنین معنا و نوع اجزای ترکیب معنا و نوع ترکیب حاصل، سبک و زیای و فراوانی آن با شواهد ارائه شده است.

پیکره زبانی این تحقیق واژه‌هایی است که فارسی‌زبانان در انواع تولیدات زبانی خود. اهم از گفتاری نوشتاری ادبی یا علمی به کار می‌برند. استخراج قواعد از طریق مراجعه به این پیکره و

دسته بندی صوری و معنایی آن صورت گرفته است. دستیابی به مجموعه ای واحد از ویژگی های ساختی، دستوری معنایی و سبکی ملاک تعیین دسته های گوناگون و نقد و بررسی معرفی و نقد کتاب الگوهای ساخت واژه در.... بر تعلق هر یک از آنها به یک قاعده معین بوده است. اطلاعات ساختاری، دستوری، معنایی و سبکی و آماری هر یک از قواعد که از رهگذر مقایسه دانمی داده ها با یکدیگر و مراجعه مکرر به پیکره زبانی و آثار موجود فراهم آمده به همراه شواهد هر قاعده روی یک کاربرگ ضبط شده و هر کار برگه نماینده یک قاعده است مجموعه کاربرگه ها، که در واقع، تصویری است از داده های واژه ساختی زبان فارسی در یک برنامه بانک اطلاعاتی ذخیره شده است. ذخیره سازی واژه ساختی این طرح در برنامه رایانه ای به ایجاد بانکی از داده ها انجامید که میتوان با مراجعه به آن به انواع اطلاعات واژه ساختی دسترسی یافت. داده های این بانک میتواند اطلاعاتی را در یک حوزه، یا همزمان در چند حوزه جستجو کند: ساخت قاعده، نوع آغاز معنای، آغاز نوع، پایانه معنای پایانه نوع ترکیب این مجموعه افزون بر، دیپاچه مشتمل است بر پیشگفتار و بخشهای اصطلاحات و نشانه ها، قواعد الگوهای واژه سازی نمایه ها و کتابنامه کتاب که در ۳۱۰ صفحه تنظیم شده با دیپاچه گروه واژه گزینی آغاز میشود. در این بخش به پیشینه تحقیق و معرفی تنی چند از پژوهشگران گروه واژه گزینی، که نام آنها در صفحه اطلاعات کتاب ذکر شده و در انجام این طرح و گردآوری اطلاعات تحت سرپرستی و نظارت علمی دکتر حسین سامعی همکاری داشته اند اشاره شده است.

سفرنامه نویسان دوره قاجار که اغلب اروپایی و عمدتاً از شخصیت های برجسته علمی و ادبی روزگار خود بودند با ژرف نگری در تاریخ ادبیات ایران، زبان ها، گویش ها و لهجه های ایرانی، خط فارسی، کتابخانه ها، مراکز علمی و هنری و وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران، اطلاعات ارزشمندی ارائه کرده اند؛ تبیین وضعیت زبان ها و گویش های موجود در دوره قاجار، از جمله

این مسائل است که گرجی، ارمنی، عبری، نسطوری و محدوده جغرافیایی آنها اشاره شده است. ریشه برخی از واژه های فارسی شناسایی و تعدادی از واژگان فارسی و اروپایی با هم مقایسه شده است.

• پژوهش های معاصر

در دهه های اخیر، با ظهور زبان شناسی اجتماعی، توجه بیشتری به گویش های محلی و تأثیر آنها بر زبان معیار شده است. محققانی همچون محمود افشار و محمدرضا باطنی در آثار خود به بررسی گویش های مختلف و تأثیرات آنها بر زبان فارسی معیار پرداخته اند.

دکتر محمود افشار در مقاله خود، «قلمرو زبان فارسی»، با هم زبانی برادر تاجیکی و افغان به وطنی سفر می کند که فرمانروایان آن شاعران و نویسندگانند.

به نظر دکتر افشار هر ملت آن اندازه که در شکل گیری یک ادبیات، مشارکت و افزوده داشته است، با همه افراد دیگری که در آن ادبیات سهیمند، هم وطن است، خواه در مرزهای سیاسی دیگری باشند. پس کرد، افغان و تاجیک و بلوچ و فارس هر اندازه که سهمی در ادب فارسی دارند، همگی در قلمرو ادبیات فارسی هم وطنند.

آقای محمود افشار یزدی، دولتمرد عصر رضاشاه، همکار اردشیر ریپورتر (+) در مدرسه علوم سیاسی، مدیر مجله آینده، و بنیانگذار موقوفات و مؤسسه انتشاراتی ای به نام «بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی» بودند. یکی از عبارت هایی که آقای افشار یزدی به فراوانی آن را تکرار می کرده و بر آن تأکید می داشت، عبارت «یگانگی ایرانیان و وحدت ملی» بود. اما مفهوم این عبارت به ظاهر زیبا و جذاب در سخن ایشان، آن معنا و مفهوم حقیقی ای نبوده که در بسیاری از کشورهای جهان تداول دارد و بر همزیستی میان انسان ها به رغم وجود تفاوت ها دلالت می کند.

منظور آقای افشار یزدی چنین نبوده که افراد یک جامعه، تفاوت در زبان و دین و لباس و دیگر مظاهر و مشخصه‌ها و رنگارنگی‌های فرهنگی یکدیگر را به رسمیت بشناسند و در عین حال با احتراز از تعدی به حق دیگران و با درک حقوق بدیهی انسانی و اجتماعی یکدیگر، با تفاهم و همزیستی و همدلی در کنار یکدیگر زندگی کنند. یگانگی ایرانیان و وحدت ملی از دید و نظر ایشان چنین است که زبان فارسی و فرهنگ دستوری دولتی «به اجبار» به همه مردمان و اقوام ساکن در ایران تحمیل شود و برای این منظور عندالزوم از قوه قهریه نیز استفاده شود. به عبارت دیگر، یگانگی و وحدت ملی یعنی آنکه همه «باید» به رنگ دلخواه ما در آیند. یعنی دیگران همه چیز خود را از دست بدهند و شبیه ما شوند و ما همه چیز خود را حفظ کنیم و شبیه هیچکس نشویم! این نظرات در گفتارهای متعددی و از جمله در مقاله «یگانگی ایرانیان و زبان فارسی» (مجله آینده، سال چهارم، شماره ۲، آبان ۱۳۳۸، صفحات ۱۳۰ تا ۱۳۴) آمده و بارها و حتی تاکنون، به شکل‌های مختلف بازگو و تجدید چاپ شده و هنوز عده‌ای از آن تبعیت می‌کنند. مشابه اینگونه نظرات شوونیستی در تعدادی از کتاب‌های دیگر انتشارات «بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی» و در ضمن بسیاری از کتاب‌های مفید آنان، منتشر شده است و می‌شوند. از جمله کتاب‌های: «زبان آذربایجان و وحدت ملی ایران» نوشته ناصح ناطق، «ایران از نگاه گوینو» (منظور آرتور دو گوینو از واضعان نژادپرستی آریایی) نوشته ناصح ناطق، و «وهرود و ارننگ» ترجمه داود منشی‌زاده (عضو حزب نازی آلمان، نظامی اس‌اس در زمان هیتلر، مؤسس حزب نازی و همکار کودتاگران ۲۸ مرداد علیه دکتر مصدق).

• تحقیقات میدانی

برخی پژوهشگران با انجام تحقیقات میدانی در مناطق مختلف ایران، به جمع‌آوری داده‌های زبانی و فرهنگی پرداخته‌اند. این تحقیقات نشان داده‌اند که گویش‌های محلی نه تنها به غنای زبان فارسی

کمک می‌کنند، بلکه در حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی نیز نقش دارند. به عقیده دکتر پرویز ناتل خانلری "در ایران امروز ما یک زبان عام و مشترک هست که فارسی خوانده می‌شود و آن زبان رسمی و ادبی است که همه مردمان این سرزمین خاصه کسانی که خواندن و نوشتن میدانند با آن آشنا هستند و آن را به کار می‌برند اما در عرض زبان فارسی چندین زبان محلی نیز وجود دارد که از آن جمله است: کردی، لری، بلوچی، گیلکی، مازندرانی، طالشی، تاتی، دزفولی، سمنانی و مانند آنها این گونه زبانها را لهجه می‌نامیم (ناتل خانلری)

بر اساس گفته هامیتوان گفت زبان برای مثال: به لهجه هایی یا زبانهای محلی برای مثال:

فارسی کردی لری و...) تقسیم میشود. در سوی مقابل ایشان اصطلاح گویش را بکار نمی‌برند در واقع وی لهجه را همان زبان میدانند که بعلت استفاده در موقعیت جغرافیایی نه چندان، بزرگ در دید، مردم به عنوان لهجه نامیده می‌شود. آنچه که واضح است نظر، وی فاقد بنیه و اساس علمی است.

دکتر علی اشرف صادقی وی در مقاله ای با عنوان زبان فارسی و گونه های مختلف آن که در سال ۱۳۴۹ انتشار یافته دیدگاه خود را در باره مفاهیم زبان گونه گویش و لهجه بیان داشته است. وی گفته است تا کنون زبان شناسان نتوانسته اند تعریف های دقیق و علمی برای کلمات، زبان لهجه و گویش و فرق آنها با هم بیابند که در کلیه موارد و شرایط و در مورد رابطه زبانها و لهجه های خانواده های مختلف در کشورهای مختلف بتواند به کار رود وارد کردن عامل تفهیم و تفاهم متقابل بین افراد یا وجود آثار مکتوب و غیره برای یک لهجه یا گویش اشکالات فراوانی به بار می‌آورد. بنابراین باید زبان و لهجه و گویش را در محدوده هر کشور، با در نظر گرفتن اوضاع زبانی (و احیاناً سیاسی) آن تعریف کرد. شک نیست که در این راه انتخاب معیارها تا حدی به طور

دلخواه و موافق احتیاجات عملی صورت می گیرد" [اشرف صادقی، ۱۳۴۹: ۶۲] در ادامه طبق انگاره ها این زبان شناس به نظر ما زبان فارسی به طور، اعم زبان رسمی کشور ایران است که در مطبوعات و رادیو و تلویزیون و خاصه تهران به کار میرود. این زبان دارای صورتهای جغرافیایی مختلفی است که در شهرهای بزرگ نظیر، اصفهان، شیراز، مشهد، یزد، کرمان، اهواز، قزوین قم کاشان و اراک متداول است. صورت هایی از زبان فارسی که در این شهرستانها به کار می رود برای فارسی زبان تهرانی جز در پاره ای موارد جزئی مفهوم است به همین جهت ما آنها را صورت هایی از فارسی می دانیم و به آنها گونه اطلاق میکنیم. اختلافات این گونه های فارسی با خود فارسی از نظر صوت شناسی (فونتیک و نه واج شناسی که فونولوژی (باشد و صرف و واژگان (لغات) است. از نظر نحوی تقریباً فرقی بین آنها و زبان فارسی وجود ندارد. اما در جنب این گونه های فارسی، در بعضی شهرهای کوچکتر و قراء مجاور آنها یا در اطراف شهرهای بزرگ لهجه هایی وجود دارد که بدون اینکه مرز دقیقی آنها داشته باشند.

یادگیری و استفاده از زبان انگلیسی را بشدت افزایش داده است.

اما، متأسفانه این آشنایی، نه در اثر آموزش درست زبان انگلیسی در مدرسه و دانشگاه، بلکه در اثر وررفتن و بازی کردن با ابزارهای دیجیتالی شکل گرفته. این ویژگی، در کنار ضعف آموزش زبان فارسی در مدارس و جذابیت غرب برای گروه هایی از جوانان منجر به پدیده ای شده است که بر خلاف گذشته رابطه ای میان زبان جهانی و فارسی ایجاد می کند که برای زبان فارسی خطرناک است و زبان شناسان اجتماعی آن را آغاز انحطاط زبان [۵] می دانند. انحطاط زبان با دو تغییر در زبان شروع می شود. اول جایگزینی واژه و دوم آسان سازی و تقلیل دستور زبان.

اولی به این معناست که گویندگان به دلایل گوناگون شروع به جایگزینی واژه های زبان ملی با زبان خارجی می کنند. دوم این که با آسان گیری دستور زبان و بی توجهی به آواشناسی از دقت و توانمندی زبان ملی می کاهند (فرگوسن، ۷۲-۷۳: ۲۰۰۶ مک ماهون ۱۹۹۴، جونز ۱۹۹۸). نقش آموزش و رسانه: پژوهش هایی نیز به بررسی نقش آموزش و رسانه ها در ترویج یا کاهش کاربرد گویش های محلی پرداخته اند. نتایج این تحقیقات نشان می دهد که استفاده از گویش های محلی در آموزش می تواند به تقویت زبان معیار کمک کند و برعکس، عدم توجه به آن ها می تواند منجر به فراموشی و کاهش تنوع زبانی شود. آموزش و رسانه ها به عنوان دو عامل کلیدی در توسعه و ترویج زبان ها و گویش ها، نقش مهمی در حفظ و تقویت زبان فارسی معیار و گویش های محلی ایفا می کنند. این دو عامل می توانند به هم افزایی میان گویش های محلی و زبان معیار کمک کنند و زمینه های جدیدی برای تعامل فرهنگی ایجاد نمایند.

-آموزش دو زبانه: برنامه های آموزشی که شامل تدریس زبان معیار به همراه گویش های محلی هستند، می توانند به حفظ هویت فرهنگی و زبانی دانش آموزان کمک کنند.

-آشنایی با گویش های محلی: تدریس گویش های محلی در مدارس می تواند به دانش آموزان کمک کند تا با فرهنگ و تاریخ منطقه خود آشنا شوند.

-تشویق نوشتن به زبان های مختلف: معلمان می توانند دانش آموزان را تشویق کنند تا با استفاده از گویش های محلی، داستان ها و شعرهایی بنویسند که به غنای ادبیات فارسی کمک کند.

-برگزاری کارگاه های ادبی: این کارگاه ها می توانند فضایی برای تبادل نظر درباره گویش های محلی و زبان معیار فراهم کنند.

-برنامه های تلویزیونی و رادیویی: تولید برنامه هایی که به زبان های محلی و فارسی معیار پرداخته می شود، می تواند به ترویج هر دو کمک کند.

-محتوای دیجیتال: وب سایت ها و شبکه های اجتماعی می توانند بستری برای انتشار محتوا به زبان های محلی فراهم کنند.

دسترسی آسان به اطلاعات: رسانه ها می توانند اطلاعات را به شیوه ای جذاب و قابل فهم برای مخاطبان ارائه دهند، که موجب افزایش علاقه به یادگیری هر دو زبان می شود.

-تنوع در ارائه محتوا: استفاده از گویش های محلی در رسانه ها می تواند جذابیت بیشتری برای مخاطبان ایجاد کند و آن ها را ترغیب به یادگیری زبان معیار نماید.

-تمرکز بر زبان معیار: بسیاری از برنامه های آموزشی و رسانه ای تنها بر روی زبان معیار تمرکز دارند و گویش های محلی نادیده گرفته می شوند.

-فرهنگ بیگانه: با گسترش رسانه های جهانی، گویش های محلی ممکن است تحت تأثیر فرهنگ های بیگانه قرار گیرند و کاهش کاربرد پیدا کنند.

آموزش و رسانه ها ابزارهای قدرتمندی برای حفظ و ترویج گویش های محلی و زبان فارسی معیار هستند. با ایجاد برنامه های آموزشی مؤثر و تولید محتوای جذاب در رسانه ها، می توان به تقویت هر دو زبان کمک کرد و از فراموشی گویش های محلی جلوگیری نمود. این اقدامات نه تنها به حفظ هویت فرهنگی کمک می کنند، بلکه به غنای زبان فارسی نیز می افزایند.

• نگاهی به چالش‌های جهانی شدن

با گسترش جهانی شدن و تأثیرات فرهنگ‌های بیگانه، برخی پژوهشگران به بررسی چالش‌هایی که گویش‌های محلی با آن مواجه‌اند پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها بر لزوم حفظ گویش‌ها به عنوان بخشی از هویت ملی تأکید دارند. راز بقای زبان‌های ملی در دنیای جهانی شده امروز ستیزه جویی با زبان میانجی منحصر به فرد آن، یعنی زبان انگلیسی، نیست. راه حل هم زیستی است. درست است که زبان انگلیسی در همه جا رایج است و رایج تر هم می‌شود، ولی نفوذ این زبان همه حوزه‌ها را در بر نمی‌گیرد. شهروند ایتالیایی که در شرکتی فراملیتی کار می‌کند، باید انگلیسی بداند و با انگلیسی کار کند. اما برای او مطالعه ادبیات و شعر ایتالیایی سرگرمی اوقات فراغت و کار دوم قلمداد می‌شود. در عوض همکار آمریکایی او که معماری می‌خواند، مجبور است ایتالیایی یاد بگیرد، چون ایتالیایی زبان میانجی معماران جهان است.

گروه‌های قومی و ملیت‌های مختلف در حالی که برای ارتباط با مردم دیگر به انگلیسی روی می‌آورند، روز به روز بیشتر به زبان ملی و قومی خود علاقمند می‌شوند.

در قرن اخیر زبان‌های بسیاری که صورت مکتوب نداشته‌اند، با کوشش گویندگان خود به فهرست زبان‌های کامل دنیا اضافه شده‌اند.

در موارد بسیاری دولت‌ها به ناگزیر زبان اقلیت‌های قومی را به رسمیت شناخته‌اند (زبان تامی در سری لانکا و کاتالانی و باسکی در اسپانیا).

ولی هرگاه نقشی در ارتقاء غنا و توانمندی زبان نداشته باشد و به دلایلی مثل شیفتگی به زبان‌های اروپایی یا عربی و از آن بدتر بخاطر ناتوانی فارسی‌زبانان بدآموزش دیده به یافتن معادل فارسی واژه جذب شده باشد، توصیه می‌کند که با استفاده از رسانه‌ها و آموزش رسمی با رواج آن مقابله

شود. اما در دو دهه اخیر در اثر بالا رفتن میزان تحصیلات، افزایش رفت و آمد شهروندان معمولی متعلق به طبقات متوسط و پایین به خارج از کشور و تاثیرپذیری ایرانیان داخل کشور از سبک سخن گفتن ایرانیان مقیم خارج، و همراه با آن گسترش وسیع استفاده از لپ تاپ، گوشی های همراه و انواع نرم افزارهای اینترنتی و تلویزیون های ماهواره ای

نتیجه گیری

به نظر نگارندگان همان گونه که در متن مقاله نیز بدان اشاره شد چنین امکانی برای طبقه بندی مناسب در زبان فارسی وجود دارد درباره زبان فارسی، می توان سه گویش اصلی را در نظر گرفت فارسی را در مرکز، شرق و جنوب ایران گیلکی و مازندرانی در شمال و کردی و لری در غرب ایران هر کدام از این گویشها میتوانند دارای لهجه هایی باشند که با یکدیگر خویشاوندی فزونتری نسبت به لهجه های دیگر گویشها دارند به عنوان نمونه گویش فارسی میتواند شامل لهجه های اصفهانی، یزدی، کرمانی خراسانی و... باشد که نزدیکی زیادی به یکدیگر نشان می دهند. از آنجا که موضوع اصلی این پژوهش، ارائه معادل یابی علمی برای چند اصطلاح پایه ای در زمینه گویش و لهجه شناسی بر اساس نظرات زبانشناسان مطرح در دو زبان فارسی و روسی است در ابتدا نتیجه گیری از تعاریف و انگاره های زبان شناسان ایرانی بدین صورت ارائه میشود که گویش زیر مجموعه ای از زبان میباشد که سخنگویان در ک متقابلی از یکدیگر دارند اما تفاوت های آوایی، واجی، واژگانی و یا دستوری حتی در نوشتار دیده می شود. لهجه زیر مجموعه ای از گویش است که طی آن سخنگویان به دو لهجه از یک گویش در ک متقابلی از یک دیگر داشته و تنها تفاوت های آوایی موجود میباشد. برای مثال کشیدگی بیشتر برخی از حروف مصوت یا تلفظ ریتمیک آن ها در مقایسه با لهجه دیگر از یک گویش گونه اصطلاحی است خنثی که به گروه بندی پاره ای از گویش های نزدیک به هم اشاره دارد.

حاصل گفتار حاضر را می توان به اختصار، چنین بیان کرد:

زبان معیار گونه ای نوشتاری یا گفتاری است که به عنوان الگوی زبان غالب در جامعه پذیرفته شده و افراد تحصیل کرده و قشرهای بالای جامعه آن را به کار می برند. در موقعیت های رسمی مانند، مدارس، مطبوعات صدا و سیما، یا در گفتگوها و مصاحبه های رسمی از گونه معیار استفاده میشود. از آن آنجا که گونه معیار دارای اعتبار اجتماعی بالایی، است سایر گروههای اجتماعی نیز سعی در تقلید و پیروی از آن دارند. زبان معیار مفهومی مطلق نیست بلکه ماهیتاً نسبی است هر گفتار یا نوشتاری ممکن است به زبان معیار نزدیک یا از آن دور باشد. آنچه به عنوان زبان شکسته یا محاوره ای مطرح میشود غالباً همان. مان صورت معیار گفتاری است.

زبان معیار گونه ای جزم و ثابت نیست بلکه دارای انعطاف است و در طول زمان متحول می شود.

گونه، معیار به دلیل اعتبار اجتماعی خاص خود باعث همگرایی زبان میشود و گونه های غیر معیار را به شدت تحت تأثیر قرار میدهد.

زبان معیار چیست و چه ویژگی هایی دارد؟

زبان فارسی در طول فرایند تاریخی و، طبیعی به زبان معیار تبدیل شده است و دارای پیشینه محکم تاریخی است اما در عین حال در گذشته تاریخی خود متوقف نشده همزمان با تحولات اجتماعی پیش رفته است. زبان فارسی معیار، علاوه بر گونه نوشتاری صورت گفتاری نیز دارد و آن هم لهجه رایج در تهران است که امروزه دارای کاربرد فراوان و از اعتبار بالایی برخوردار است. بی نشان بودن نداشتن عناصر قدیمی و مهجور، زبانی سازگاری با عادت و شم زبانی سخنگویان داشتن سبک و سیاق متناسب رسمیت و ادب خالی بودن از عناصر بیگانه مفرط مهم ترین ویژگی های زبان فارسی معیارند.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- ترادگیل پیتز (۱۳۷۶) زبان شناسی اجتماعی، ترجمه محمد طباطبائی، آگاه، تهران؛
- سمیعی احمد، (۱۳۷۸)، نگارش و ویرایش، سفت تهران؛ (۱۳۶۷)، «زبان محلی، زبان، شکسته به شیر، دانش سال ۸ شماره ۴، ص ۹-۱۳؛
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۲)، کلیات سبک شناسی، فردوس، تهران
- صادقی، علی اشرف (۱۳۶۲)، «زبان معیار»، نشر دانش، سال ۳، شماره ۴، ص ۱۶-۲۱؛
- کزازی، میر جلال الدین (۱۳۷۶) پرنیان، پندار، روزنه تهران
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸)، در آمدی بر جامعه شناسی زبان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران. شر، دانش سال ۳، شماره ۲، ص ۴-۱۵ نجفی، ابوالحسن (۱۳۶۱)، «آیا زبان فارسی در خطر

ب) منابع لاتین

- BARTSCH, Renate (۱۹۸۷), *Norms of Language*, Longman, London;
- GARVIN, P. (۱۹۷۳). "Some Comments on Language Planning", in *Language Planning: Current Issues and Research*, eds. J. Rubin and R. Shuy. Georgetown University Press. Washington DC., pp. ۳۳-۲۴; HAUGEN E. (۱۹۹۷), "Standardisation", in *Sociolinguistics: A Reader and Course Book*, Coupland and Jaworski (eds), Macmillan, London, pp. ۳۵۲-۳۴۱;

- Hudson, R. A. (۱۹۸۰), *Sociolinguistics*, Cambridge University Press, Cambridge:
- Labov, W. (۱۹۷۲), *Sociolinguistic Patterns*, University of Pennsylvania Press, Philadelphia: Milroy, J. and Milroy, J. (۱۹۹۱). *Authority in Language*, ۲nd Edition, Routledge, London: Tollefson, J. W. (۱۹۹۱), *Planning Language. Planning Inequality*, Longman, London: Trask R. L. (۱۹۹۹), *Key Concepts in Language and Linguistics*, Routledge, London.